



## The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۲ Summer ۲۰۲۲

### قواعد حقوقی جنگ در فقه امامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی

رسول حمیدپور رازیان<sup>۱</sup> رحیم وکیل زاده<sup>۲</sup> حسن موثقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

#### چکیده

در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است. بنابراین، مقوله جنگ را می‌توان مجموعه‌ای از عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه دانست که در چهارچوب مناسبات کشورها، بین دو یا گروهی از مردم روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر می‌شود. در این بین اسلام تنها دین ترقی یافته در بین ادیان عالم است که برای اولین بار اوضاع جنگ را سامان بخشید و برای آن نظام بشردوستانه و قواعد حقوقی وضع کرد. پیامبر اسلام و ائمه اطهار نیز از نخستین کسانی بودند که قوانین عادلانه جنگ را به طور جامع و کامل اجرا نموده و آن را به رسمیت شناختند. در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی سعی شده است به بازشناسایی قواعد حقوق جنگ از منظر معاهدات بین‌المللی و فقه امامیه پرداخته شود. چرا که قوانین مرتبط با جنگ در مقررات و معاهدات بین‌المللی و احکام دین اسلام منطبق با یک دیگر بوده و در بیشتر موارد مؤلفه‌های اخلاقی و بشردوستانه حاکم بر قوانین بین‌المللی برگرفته از ارزش‌های دین مبین اسلام است؛ دین مبین اسلام مبانی احکام خود را بر کرامت و اصالت انسان نهاده و صیانت از آزادی و حقوق مشروع انسان را به عنوان یک اصل مورد تأیید قرار داده و بر این اساس اسلام بشریت را از جنگ و درگیری برحذر می‌دارد.

واژگان کلیدی: قواعد، حقوق جنگ، فقه امامیه، معاهدات بین‌المللی، حقوق بشردوستانه

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی اندیشه‌های امام خمینی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. rasol.hamidpor@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤل) rahimvakilzadeh@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق بین‌المللی عمومی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. movassaghi@iaut.ac.ir

## مقدمه

حقوق جنگ را می‌توان عرف و ضوابط قراردادی مربوط به جنگ نامید (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴). که شامل مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر مناسبات متقابل کشورهای درگیر در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا جنگ‌های داخلی است. طرفین درگیر در چنین جنگی، به رعایت آن قواعد در طول عملیات خصمانه خود ملزم هستند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۵). چون همواره امکان وقوع جنگ در هر لحظه و شرایط و هر مکان، به دلیل نقض تعهدات مربوط از جانب هر یک از کشورها وجود دارد، لازم است حداقل جریان جنگ را تابع مقررات حقوقی ساخت تا بتوان خطرات و خسارات ناشی از آن را محدود کرد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۷۶). حقوق جنگ در دو معنا به کار می‌رود که اولی وسیع و دومی محدود است. مفهوم وسیع شامل دو شعبه حقوق لاهه و حقوق ژنو می‌شود، در حالی که حقوق لاهه حقوق وظایف متخاصمان را در رفتار عملیاتی تعیین می‌کند و انتخاب راه‌های صدمه رسانیدن به دشمن را محدود می‌کند، در حقیقت حقوق ژنو یا حقوق بشردوستانه در مفهوم دقیق کلمه بر آن است تا از افراد غیرنظامی (که به هر دلیل دیگری قادر به جنگ نیستند) و نیز کسانی حمایت کند که در جنگ شرکت ندارند (ورکی البرزی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰).

با اندکی وقت برای ورق زدن تاریخ گذشته بشر به یکی از عجیب‌ترین و خشن‌ترین ارتباطات بشری برخورد می‌کنیم که علمای حقوق از آن با عنوان جنگ یاد می‌کنند. گفته شده که مراد از جنگ که از آن با عنوان رویارویی نظامی نیز یاد می‌شود عبارت است از درگیری نظامی و مسلحانه در کشور با هدف بزانو درآوردن و مطیع کردن کشور مقابل به نحوی که تابع خواست و مطاع کشور فاتح گردد. جنگ به خودی خود پایان بخش روابط دوستانه دولت هاست و تقلیل روابط یا قطع آن نتیجه طبیعی این خشونت گسترده و پر حجم است که از آن با نام جنگ یاد می‌کنیم (مساعلی و ارفعی، ۱۳۷۳، ص. ۴).

اما جنگ همانگونه که از ماهیت آن نیز معلوم است اصولاً واجد دو وصف عادلانه و تجاوزکارانه می‌باشد به این ترتیب اگر کشوری مورد حمله نظامی قرار گرفت البته در عصر کنونی که سال ۲۰۱۶ میلادی است می‌تواند با توسل به بند (۴) ماده (۲) منشور که کلیه اعضا را مکلف ساخته در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن بر علیه تمامیت سرزمینی و یا استقلال سیاسی کشورها که با اهداف سازمان مغایرت دارد اجتناب نموده و همینطور ماده ۵۱ منشور از حق ذاتی دفاع از خود صحبت می‌کند به کشورهای قربانی اجازه داده که با اخذ تدابیر و تاکتیک‌های جنگی با حداکثر توان خود به مقابله با متجاوز برخیزد (ظریف و سجاد پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۹-۱۴۳). بدین ترتیب جنگ در صورت اخیر توجیه عادلانه ندارد اما در صورتی که جنگ بدون اعلام رسمی آغاز شود تجاوز محسوب می‌شود به ویژه که قطعنامه ۳۳۱۴ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی که این نوع جنگ را به عنوان اعمال تجاوزکارانه یا با اندکی مسامحه جنگ تجاوزکارانه معرفی کرده است که با حمله نظامی به خاک یک کشور، اشغال نظامی موقت یا دائم، الحاق بخشی از خاک یک کشور به خود، موشک باران هوایی یا کاربرد سلاح دور برد، لشکر کشی دریایی به بنادر یا سواحل، تهاجم نظامی به نیروهای نظامی کشورهای دیگر، نقض پیمانهای فیما بین و اعزام مزدور و

همکاری و تسهیل امکانات برای یک کشور به جهت تجاوز به دیگری و استمرار حضور جابرا نه وی جنگ نامشروع و تجاوز کارانه محسوب خواهد شد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳، ص. ۴۹۱-۴۹۰).

منظور از حقوق جنگ در اسلام، مجموعه قواعد فقهی و حکومتی اسلامی است که مقطع زمانی اجرای آنها، طول دوران جنگ یا پس از جنگ، اما مرتبط با جنگ است و به طور کلی مسلمانان درگیر به رعایت آنها موظف هستند. منابع حقوق جنگ در اسلام همان منابع حقوق بین‌الملل در اسلام است. این دسته از قواعد طی قرون و اعصار در روابط بین‌المللی توسعه و تحول یافته‌اند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴).

از آنجایی که حقوق جنگ زیرمجموعه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد، در اسلام نیز این مجموعه از حقوق و احکام را باید در منابع حقوق بین‌الملل اسلامی و قواعد رفتار دولت‌ها در زمان جنگ و صلح و حالت بی‌طرفی جست‌وجو کرد. آنها خود بخشی از حقوق داخلی را تشکیل می‌دهند که همان فقه است و کتاب‌های خاصی این گونه قواعد را تحت عنوان «السییر» یعنی طرز رفتار در منطقه جنگی بررسی می‌کنند (حمیدالله، ۱۳۸۱، ص. ۲۸).

به غیر از کنوانسیون‌های بین‌المللی که سعی در به کنترل درآوردن و قطع مخاصمات مسلحانه میان دولت‌ها دارند ادیان الهی از جمله اسلام نیز با این گونه اقدامات از بدو ظاهر خود مخالف است مگر در صورت دفاع از خود در برابر حمله ناجوانمردانه دیگر کشورها و در آیات زیبا و متعدد قرآن تمایل به صلح را در مخیله بشر تقویت و تبلیغ می‌کند برخلاف اندیشه‌های خام و مغرضانه پاره‌ای از نویسندگان بی‌خبر از محتوای زرین اسلام آن را دین شمشیر معرفی کرده‌اند حال آنکه در هیچ زمان و مکانی این قضاوت سطحی معتبر نبوده و نخواهد بود (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۱-۱۶۰).

### مبحث اول: حقوق جنگ از منظر قراردادها و معاهدات بین‌المللی

اساساً بایستی بین مقررات حقوق جنگ و مقررات حقوق پیشگیری کننده جنگ تفکیک قائل شد. در گذشته، حقوق جنگ دارای جایگاه خاصی بود و مقررات بین‌المللی مودتی در این زمینه وجود داشت؛ اما امروزه وضع تغییر کرده و حقوق بین‌الملل کمتر به تدوین مقررات مربوط به جنگ می‌پردازد، بلکه مقررات مربوط به پیشگیری از آن را مورد عنایت بیشتری قرار می‌دهد. در نتیجه همین روند، حقوق پیشگیری کننده جنگ توسعه زیادی یافته، ولی به حقوق جنگ توجه چندانی نشده است؛ از این رو در مجموع، قواعد موضوعه‌ای که حقوق جنگ را تشکیل می‌دهد بسیار اندک است.

منابع حقوق جنگ بطور کلی جدا از منابع حقوق بین‌الملل نیست، مخصوصاً منابع چون عرف، اصول کلی حقوقی و قراردادهای بین‌المللی، جایگاه خاص خود را در حقوق جنگ نیز دارا می‌باشند.

۱) عرف: از آنجا که همیشه مناسبات دوستانه و مسالمت آمیز یا بالعکس مناسبات خصمانه و غیر مسالمت آمیز، بتناوب میان ملت‌ها وجود داشته است، بنابراین حقوق جنگ، همچون حقوق دیپلماتیک و کنسولی، پیشینه‌ای دیرین دارد که بطور کلی از عرف مایه می‌گیرد. به این ترتیب، عرف جایگاهی بسیار مهم و اساسی در حقوق جنگ دارد. منابع عرف متعدد و گوناگون است؛ به عنوان مثال، می‌توان حتی در اسنادی که توسط حکومت‌ها و خطاب به نیروهای مسلح آنها است نیز منبع عرفی غنی و سرشاری ملاحظه کرد، مانند دستورالعمل‌های دریایی دولت فرانسه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۶.

از سوی دیگر، این حقوق عرفی است که می‌تواند کمبودهای موجود در حقوق قراردادی یا موضوعه را رفع نماید؛ زیرا قواعد عرفی جنگ، تنها قواعد قابل اجرایی است که در صورت عدم وجود حقوق قراردادی، قادر است کشورهای متخاصم را به یکدیگر پیوند دهد.

۲) اصول کلی حقوقی: «در حقوق جنگ به اصول کلی حقوقی، نسبت به سایر منابع، کمتر بها داده شده است؛ بطوری که معمولاً بخط حقوق جنگ را، تنها «رسوم و قوانین جنگی» می‌دانند؛ اما در واقع اصول کلی حقوق در حقوق جنگ، نقشی تقریباً به همان اندازه مهم ایفا می‌کند که در حقوق صلح. از سوی دیگر، عرف و قراردادهای مربوط به حالت جنگ، همیشه بر اصول کلی حقوقی مبتنی می‌باشد. از جمله این اصول، اصل حسن نیت است که پایه و اساس روابط بین‌المللی را تشکیل داده و زیر بنای حقوق جنگ نیز محسوب می‌شود (Delbez, ۱۹۶۴: ۵۱۴).

۳) قراردادهای بین‌المللی: قراردادهای از جمله منابع عمده حقوق جنگ است و بخش اعظم این حقوق به صورت حقوق قراردادی و مدون می‌باشد. اینگونه قراردادهای بین‌المللی را می‌توان به ترتیب تاریخ انعقاد، به شرح ذیل برشمرد:

الف) اعلامیه پاریس مورخه ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ در زمینه جنگ دریایی (تحریم راهزنی دریایی، مصونیت اموال اتباع دشمن که با کشتی‌های بی‌طرف حمل می‌شود و همچنین محاصره دریایی)؛

ب) عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران و کادر بهداشتی؛

ج) اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ در مورد ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها؛

د) اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل که برای اولین بار فرق میان نظامیان و غیرنظامیان را مشخص کرد؛

ه) عهدنامه‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه. عهدنامه‌های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرارداد در زمینه جنگ می‌باشد: قرارداد مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی؛ قرارداد مربوط به تسری عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو (فوق‌الذکر) به جنگ‌های دریایی. اما عهدنامه‌های لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ سیزده قرارداد را شامل می‌شود که بجز سه قرارداد ذیل، بقیه مربوط به قوانین و مقررات جنگ زمینی و دریایی است: قرارداد مربوط به تحدید موارد استفاده از قوای نظامی جهت وصول مطالبات؛ قرارداد مربوط به شروع منخاصمات؛ قرارداد مربوط به اصلاح و تجدیدنظر در عهدنامه‌های ۱۸۹۹ لاهه؛

و) عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد بی طرفی کشتی های بیمارسانی؛

ز) عهدنامه ژنو مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ مربوط به حمایت از بیماران و مجروحان جنگی؛

ح) اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در زمینه جنگ دریایی، این اعلامیه مورد تصویب کشورها قرار نگرفت؛ ولی امروزه آن را به عنوان تجلی بسیار کامل عرف دریایی محسوب می دارند؛

ط) عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ مربوط به تحدید سلاح های دریایی و محدود نمودن تعداد کشتی های جنگی و عدم استفاده از زیردریایی؛

ی) پروتکل ژنو مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در زمینه منع استعمال گازهای خفکان آور، سمی یا مشاه آنها و نیز مواد میکروبی؛

ک) عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در مورد رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت زندنیان جنگی؛

ل) پروتکل ۱۹۳۰ لندن مربوط بخ جنگ دریایی؛

م) قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی و مراکز علمی و هنری در زمان جنگ؛

ن) پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی های بازرگانی توسط زیردریایی ها؛

س) عهدنامه های ۱۹۴۹ ژنو. عهدنامه های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ شامل چهار قرارداد است که سه قرارداد آن در واقع تجدیدنظر در قراردادهای قبلی است و چهارمین قرارداد متضمن یک نوآوری در حقوق قراردادی جنگ است. این عهدنامه ها عبارتند از:

- عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی. این عهدنامه، جانشین عهدنامه های ژنو مورخ ۱۸۶۴، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ گردید؛

- عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریاها. این عهدنامه، جانشین یکی از عهدنامه های لاهه مورخ ۱۹۰۷ که در همین زمینه بود، گردید؛

- عهدنامه مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی. این عهدنامه جانشین عهدنامه مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ گردید؛

- عهدنامه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ.

امروزه عهدنامه های چهارگانه ژنو مهمترین اسناد بین المللی در زمینه حقوق جنگ می باشد که تا سال ۱۹۸۰ از تصویب یا الحاق ۱۲۸ کشور برخوردار بوده است.

ع) قرارداد لاهه مور ۱۴ مه ۱۹۵۴ در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ؛

ف) پروتکل‌های ۱۹۷۷ ژنو. در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ به دنبال سال‌ها مساعی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دو گرتکل به عنوان پروتکل‌های الحاقی به عهدنامه‌های ژنو مورخ ۱۰۴۰ به تصویب رسید. اولین پروتکل مربوط به نزدهای مسلحانه بین‌المللی و دومین پروتکل در زمینه نبردهای مسلحانه غیربین‌المللی است. این پروتکل‌ها تا سال ۱۹۸۱ از تصویب ۱۷ کشور گذشته است؛

ص) عهدنامه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های کلاسیک که می‌توانند منجر به صدمات جبران‌ناپذیر و یا اثرات نامشخص گردند. این عهدنامه سه پروتکل در زمینه تشعشعات هسته‌ای در بدن انسان، استعمال مین و تله‌های انفجاری و استفاده از سلاح‌های آتشزا را به دنبال دارد. عهدنامه مذکور تاکنون قابلیت اجرایی نیافته است؛

ق) قراردادهای مربوط به منع یا تحدید سلاح‌های هسته‌ای:

- قرارداد مس. و مروخ ۵ اوت ۱۹۶۳ در مورخ منع آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای در جو، ماوراء جو و زیر دریاها؛

- قرارداد مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ در زمینه اصول حاکم بر فعالیت کشورهای در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، کره ماه و دیگر کرات آسمانی؛

- قرارداد مورخ اول ژانویه ۱۹۶۸ در مورخ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛

- قرارداد مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۷۱ در زمینه منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های انهدام دسته‌جمعی در کف و زیرکف دریاها و اقیانوس‌ها؛

- قرارداد مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ در مورد منع ساخت، تولید و انباشت سلاح‌های میکروبی یا سمی و انهدام انبارهای موجود؛

- قرارداد مورخ ۲۶ مه ۱۹۷۲ در زمینه محدود کردن سلاح‌های استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۱)؛

- قرارداد ولادی وستک مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۴ در مورد محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای؛

- قرارداد مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۷ در زمینه منع استفاده از سلاح‌های اقلیمی؛

- قرارداد مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ در زمینه محدود کردن سلاح‌های استراتژیکی اتمی (معروف به سالت ۲) (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۵، ص. ۵۹-۵۶).

در یک جمع‌بندی مختصر و وافی به مقصود می‌توان حقوق جنگ را آن دسته از مقررات حقوق بین‌الملل قلمداد کرد که بر استفاده دولت‌ها از اقتدار نظامی حاکم و ناظر است. این حقوق مختص زمان‌مخاصات مسلحانه یا جنگ است و آن عبارت است

از مقرراتی که جنگجویان هریک از دو طرف باید حد و حدود پیشروی و رفتارهای نظامی خود را تحت کنترل درآورند و از خودسری جلوگیری شود. بدین ترتیب حقوق جنگ مشروعیت خود را از منابع زیر اخذ می نماید.

اندیشه های گروسیوس در کتاب حقوق جنگ و صلح، افکار ریچارد زوخ با عنوان حقوق و دادرسی جنگی، قسمت اول کتاب وان بینکرشوک هلندی با عنوان مساعل حقوق عمومی که مربوط به قوانین جنگ است، مجموعه قواعد مربوط به جنگ نوشته فرانسیس لیبر آمریکایی، اعلامیه لندن ۱۹۰۹ و پاریس ۱۸۵۶ در باب اصول جنگ دریایی، عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو راجع به حمایت از مصدومان جنگ، اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸ راجع به ممنوعیت کاربرد سلاح های خاص، اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ در باب سوم و مقررات جنگ با تفکیک افراد نظامی از غیرنظامی، عهدنامه لاهه ۱۸۹۹ راجع به حقوق جنگ، عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو راجع به جنگ دریایی، عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد مصونیت امدادسانی کشتیهای بیمارستانی، عهدنامه ۱۹۰۶ در باب حمایت از مصدومان جنگی، عهدنامه ۱۹۰۷ راجع به حقوق جنگ و بیطرف ماندن در جنگ، عهدنامه واشینگتن ۱۹۲۲ در خصوص محدودسازی سلاح های دریایی، پروتکل ۱۹۲۵ راجع به منع کاربرد مواد سمی در جنگ، عهدنامه ۱۹۲۹ در باب شیوه رفتار با اسرای مجروح و غیر مصدوم جنگی، پروتکل ۱۹۳۰ راجع به اصول جنگ در دریاها، قرارداد ۱۹۳۵ در باب حفاظت از بناهای تاریخی در زمان جنگ، پروتکل لندن ۱۹۳۶ در باب ممنوعیت حمله زیر دریایی ها به ناوهای بازرگانی، عهدنامه ۱۲ اوت ۱۹۴۹ که مهمترین سند حقوق جنگ است که راجع به سرنوشت اسرای مجروح جنگی، مجروحان جنگهای دریایی، رفتار با اسرای جنگی و افراد غیرنظامی در زمان جنگ می باشد و همینطور قرارداد لاهه ۱۹۵۴ در باب حفظ آثار فرهنگی در جنگها، پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به آن، قرارداد ۱۹۷۷ راجع به منع صدمه به محیط زیست در زمان جنگ، عهدنامه ۱۹۸۱ راجع به محدودیت یا ممنوعیت کاربرد سلاح های غیرمتعارف و آتش زا و در نهایت کنوانسیون منع گسترش سلاح های کشتار جمعی ۱۹۶۸ همه و همه از منابع قانونی و مدون حقوق جنگ هستند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، صص. ۸۲-۷۵).

اهم و جمع بندی کنوانسیون بین المللی رعایت الزامات ذیل را یادآوری می کنند:

- ۱) اعلان رسمی جنگ از سوی فرماندهان؛
- ۲) بیان دلایل موجه برای جنگ یا علت آغاز جنگ؛
- ۳) اطلاع رسانی به دیگر کشورها برای حفظ بیطرفی (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۸۳)؛
- ۴) تحت حمایت بودن غیر نظامیان براساس مقررات حقوق بین الملل (قربانیان جنگ)؛
- ۵) احتساب همه افراد بشر به عنوان غیر نظامی در صورتی که عضو نیروهای مسلح نباشند؛
- ۶) توزیع ماسک ضد بمبهای شیمیایی یا بمبهای کثیف؛

۷) احداث پناهگاه برای مقابله با بمباران هوایی یا هسته‌ای؛

۸) انتقال مردم غیرنظامی به مناطق امن؛

۹) حفاظت از مناطق بهداشتی و محل اقامت و مداوای بیماران، معلولان، کودکان، زنان باردار و سالخورده‌گان؛

۱۰) اعلام خطر فوری، تخلیه اماکن، برقراری مناطق امن یا پرواز ممنوع و گندزدایی مواد شیمیایی؛

۱۱) احترام به کرامت انسانی به صورت منع تهدید و تجاوز یا نثار کردن توهین یا هر اقدام اجباری توأم با خشونت؛

۱۲) ممنوعیت اعمال فشار روانی؛

۱۳) ممنوعیت شکنجه، مثله، آزمایشات پزشکی غیر درمانی و ممنوعیت هر نوع آزار بدنی؛

۱۴) منع مجازات جمعی، اقدام تلافی جویانه و گروگانگیری افراد غیر نظامی؛

۱۵) تسهیل در ارائه خدمات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت صلیب سرخ ملی؛

۱۶) ممنوعیت ترور و وحشت میان غیرنظامیان بصورت وانمود کردن به اجرای مراسم اعدام؛

۱۷) قحطی و گرسنگی دادن غیر نظامیان همانند گرسنگی دادن مردم لنینگراد، استالینگراد و سن پترزبورگ توسط ارتش ورمخت آلمان نازی در جنگ جهانی دوم؛

۱۸) منع استفاده از افراد به عنوان سپر انسانی در جنگها؛

۱۹) حمایت از بیگانگان بصورت بهره‌برداری از مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی و آزادی در انجام مراسم‌های مذهبی و توزیع جیره غذایی مناسب و مکفی؛

۲۰) حمایت از پناهندگان و افراد بدون تابعیت، کودکان، زنان، روزنامه‌نگاران و پزشکان بدون مرز (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۹-۱۲۰).

### مبحث دوم: حقوق جنگ از دیدگاه فقه امامیه

مطالعه و دقت در آداب جنگ در اسلام، این حقیقت را آشکار می‌کند که آنچه امروزه در انضمام حقوق بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، چهارده قرن پیش‌تر در متن تعالیم اسلام وجود داشته است. اهمیت این امر مخصوصاً از این جهت است که در آن روزگار، نه نام از حقوق بشردوستانه - قواعد مربوط به رعایت حقوق بشر در زمان جنگ - در میان و نه محتوای آن مورد نظر بود. دقت در



مجموعه مقررات و حقوق جنگ به خوبی این حقیقت را آشکار می سازد که ریشه های قواعد و مقررات حقوق جنگ، کاملاً در دستور و تعالیم اسلامی وجود دارد و نظر بعضی از صاحب نظران که این گونه قوانین را متخذ از حقوق اسلامی می دانند، چندان اغرق آمیز به نظر نمی رسد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص. ۴۳).

نظام حقوقی اسلام، در باب اسیر دارای سابقه تاریخی است؛ بدین معنا که اسلام زمانی در مورد اسیران مراعات اصولی را به صورت قانون الزامی دانست که در نقاط دیگر دنیا، مقررات حقوقی و قانونی در این زمینه وجود نداشت. از نظر اسلام عمل اسارت یک عمل بازدارنده بوده نه یک عمل سرکوب گرانه و یا به عبارت دیگر، اسلام بیشتر به بازدارنده بودن عمل اسارت توجه کرده و به سرکوب گرانه بودن آن توجهی ننموده است (حجازی، ۱۳۹۴، ص. ۷۲). در اسلام، کرامت و یکسری حقوق اساسی دیگر برای همه بشر و حتی جنگجویان دشمن به رسمیت شناخته شده است و جنگ و درگیری مسلحانه به هیچ وجه باعث ابطال این حقوق نمی شود. از دیدگاه اسلام، تنها تفاوت موجود در شرایط جنگی، این است که تعهد بیشتری بر دوش مسلمانان می گذارد تا کرامت و حقوق دشمن را محترم شمرند و هرگز کرامت و حقوقی را که همه و از جمله جنگجویان دشمن، مشمول آن هستند، محدود نمی کند. دین اسلام اولاً مباحث مربوط به جنگ عادلانه و مشروع و کیفیت جنگ و اصول و قواعد آن را به گونه شایسته ای تنظیم نموده و ثانیاً در این ساحت به گونه ای شایسته، به آموزش آموزه هایی از نحوه رفتار محسنانه و کریمانه یا اسران جنگی پرداخته است (حبیب نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۸۶-۸۹).

اسلام نهاد اسارت را در کم حجم ترین اندازه ممکن پذیرفت؛ زیرا معقول نبود که مسلمان ها به میدان کارزار پای نهند و دچار زیان شوند و به اسیری روند، اما بر آنها حرام باشد که دشمنان خویش را به اسارت گیرند. این نه با طبع و نه با منطق و عق سازگار است. یکی از فلسفه های پذیرش این امر، ایجاد زمینه ای برای امکان تبادل اسیران و آزاد کردن آنان بود (فضائلی، ۱۳۹۸، ص. ۹۰۷). از منظر اسلام نه تنها حسن رفتار با اسیران در بند توصیه شده بلکه مساعدت مادی و معنوی نسبت به آنان را از ضروریات می شمارد. اسلام جنگ را برای محافظت از کیان و انسانیت می پذیرد و برای محافظت از اصول انسانی زندگی آدمی و تا جایی که جنگ و ضوابط وضع شده برای آن با این اصل در تعارض و تناقض نباشد. پذیرفته شده است؛ اما اگر در جایی اقدامات جنگجویان با انسانیت و فطرت انسانی در معارضه قرار گیرد، قطعاً انسانیت که هدف اسلام دفاع از آن است مقدم خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۷-۳۸). از آنچه در مورد رفتار با اسیران جنگی در متون و منابع اسلامی به دست می آید می توان چنین استنباط کرد که رسیدگی و نگهداری و مراقبت امور رفاهی اسیران جنگی از واجبات کفایی بوده و انجام آن مستقیماً بر عهده دولت اسلامی است و با به طور غیرمستقیم از باب حسبه به دولت اسلامی واگذار می گردد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵، ص. ۹۵).

طی قرون متمادی بسیاری از نادانان و جاهلان تاریخ بدون کوچکترین شناخت از اسلام و پیامبر شریف آن حضرت محمد (ص) از باب جهالت و نفع طلبی، اسلام را دین پیرو و مبلغ جنگ معرفی کرده اند حال آن که خود فراموش کرده اند که آغازگر جنگهای صلیبی مسلمانان نبوده اند بلکه این متجاوزین اروپایی بودند که چشم دیدن انوار مقدس اسلام را نداشتند و با دروغ و حيله و یا

مظلوم‌نمایی مردم عوام اروپایی را فریب داده و دسته دسته به سوی جبهه‌های پیکار تجاوزکارانه سوق می‌دادند (توفیقی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۷-۲۴۶) فیلسوفان و دانشمندان برجسته‌ای چون آن ماری شیمل، کارلایل، راجریکن و داوسون با درک تعالیم نورانی نبی اکرم (ص) زبان به تعریف ارزش‌های عالی اسلام گشودند و نشان دادند که منطق الهی رسول الله (ص) از هر ابزار دیگری کارآمدتر است (صمیمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۰۸). برخی از نویسندگان مغرض و حسود فراموش کرده‌اند که موضوع اولین قرارداد رسمی پیامبر اعظم (ص) در عربستان غرق در جهالت و کفر و بت پرستی، کینه، دشمنی، آشتی دادن دو قبیله اوس و خزرج بود که با نام پیمان عقبه در سال ۱۲ بعثت منعقد شد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸). آنها از تعالیم اسلام خبر ندارند که چهارماه از سال به عنوان ماه‌های حرام اعلام شده که همه باید سلاح‌ها را بر زمین بگذارند و افکار صلح‌آمیز را پذیرا شوند. در اینجا به این نکته تصریح می‌کنیم که هر آنچه که به عنوان منابع حقوق بین‌الملل در اسلام شناخته شده همانا منابع حقوق جنگ در اسلام نیز به شمار می‌روند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۰). این منابع ارزشمند و عالی عبارتند از کتاب (قرآن کریم) به ویژه تفاسیر قرآن به قلم نویسندگان تفسیر المیزان، تفسیر تبیان شیخ طوسی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر امام فخر رازی، تفسیر بیضاوی و مجمع البیان شیخ طبری و سنت که همانا گفتار یا کردار و یا تقریر پیامبر خاتم (ص) و امامان معصوم (ع) است و اجماع دانشمندان اسلامی و در آخر عقل قرار دارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۱-۲۷). آیات ۱۲۴ و ۱۶۹ سوره آل عمران و آیه ۱۴۵ سوره انفال از مصادیق منابع کتاب در اسلام راجع به جنگ است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۴-۱۴۳).

گزیده‌ای از آموزه‌های فقهی اسلام در خصوص حقوق جنگ:

تاریخ فراموش نکرده که زمانی فرانسیسکو در قرن پانزدهم فریاد می‌زد که باید کلیه اسرای مسلمان را بدون ترحم نابود کرد و بچه‌ها و زنان‌شان را به بردگی کشانید (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۸)، در حالی که در هیچ عصری از تاریخ حتی یک مورد یا نمونه از کشتن اسرای جنگی و تجاوز به زنان و سوء استفاده از کودکان در جنگها توسط مسلمانان مشاهده نشد و مسلمانان با رفتاد توأم با بخشش خود عظمت اعتقادات محکم دینی را به اثبات رساندند. رفتار بزرگوارانه صلاح الدین ایوبی با پیمان شکنان معاهده صلح در بیت المقدس در سالهای ۱۰۹۸ تا ۱۲۷۰ میلادی نمونه از اقیانوس بزرگواری مسلمانان در طول تاریخ است. اما مطلب قابل توجه در باب مقررات فقهی اسلام در یک نگاه گذرا عبارتند از:

الف) ممنوعیت از بین بردن مردم غیرنظامی کشور متخاصم؛ ب) ممنوعیت کشتن جنگجویانی که مکلف و مجبور به حضور و جنگیدن در میدان جنگ شده‌اند؛ ج) ممنوعیت تکه تکه کردن اندام‌های اجساد دشمنان؛ د) ممنوعیت ویران سازی اماکن دشمن که کاربرد نظامی ندارد؛ ه) ممنوعیت از بین بردن حیوانات؛ و) ممنوعیت محاصره اقتصادی؛ ز) عدم جواز استفاده از هرگونه سم علیه متخاصمین، ح) ممنوعیت صدمه به مراکز مذهبی متخاصم؛ ط) اعطای امان به کسی که قصد جنگ ندارد؛ ی) آزادی بدون قید و شرط کسانی که اسلام آورند؛ ک) عدم جداسازی اسراء از خانواده هایشان؛ ل) دادن آب و غذای مناسب و کافی و ممنوعیت هر

نوع گرسنگی دادن؛ م) رسیدگی سریع به مجروحان جنگی؛ ن) مبادله اسراء در اولین فرصت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲-۱۵۲).

در نهایت به این نکته باید عنایت داشت که در حقوق اسلام این اجازه داده نشده که برای موفقیت بر خصم از هر نوع اسلحه ای بهره گرفت. بنابراین مسموم سازی آب آشامیدنی یا به آتش کشیدن دشمن و رفتارهای مشابه آن با روح اسلام تعالیم و پیامبر اکرم (ص) مغایرت داشته و دارد (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۸).

### مبحث سوم: حقوق معاهدات پایان جنگ از دیدگاه حقوق بین الملل

معاهدات پایان جنگ را می توان در سه مجموعه از دیدگاه حقوق بین الملل مورد بررسی قرارداد: ۱) ترک مخاصمه یا متارکه جنگ؛ ۲) پیمان صلح و شرایط و محتوای آن و ۳) تسلیم شدن بدون قید و شرط و پایان جنگ.

۱) متارکه جنگ یا ترک مخاصمات: متارکه جنگ قراردادی است که بین متخاصمان منعقد می گردد و بدون این که به جنگ پایان دهد، متضمن توقف موقت یا نهایی مخاصمات است. ماده (۳۶) کنوانسیون چهارم، مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷ مقرر داشته است که متارکه، عملیات جنگی را از طریق یک توافق مشترک بین طرف های متخاصم متوقف می نماید. طبق ماده (۳۷) همین مقررات، متارکه می تواند عمومی یا محلی باشد. اگر عمومی باشد در همه جا عملیات جنگی دول متخاصم متوقف می شود و در نتیجه پیش درآمدی بر پایان جنگ خواهد بود و اگر محلی یا موضعی باشد، جنگ را بین بعضی عناصر طرف های متخاصم و در شعاع محدود متوقف می نماید. متارکه محلی جنگ خاصیت موقت دارد و فاقد معنای سیاسی است (روسو، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۳).

امروزه دیگر ترک مخاصمات را نمی توان به عنوان لحظه انتقالی میان دو وضعیت مخاصمه در نظر گرفت؛ زیرا طرفین تحت هیچ شرایطی حق از سرگیری عملیات خصمانه را ندارند، حتی اگر پس از اخطار به طرف مقابل باشد. در صورت نقض فاحش ترک مخاصمه از جانب یکی از طرفین، تنها نتیجه و اثر آن احتمالاً این است که اعمال حق دفاع مشروع را ممکن می سازد. در این صورت ترک مخاصمه خصیصه حقوقی - سنتی خود را به عنوان عمل موقتی از دست می دهد و به منزله سندی جلوه می کند که به مخاصمات به صورت مستمر و قطعی پایان می بخشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۹).

معمولاً معاهدات متارکه جنگ موارد زیر را پیش بینی می کنند:

الف) توقف جنگ؛

ب) تعیین خط جدایی نیروهای طرفین و منطقه بی طرف؛

ج) ممنوعیت گسیل نیروهای کمکی؛

(د) آزادی تحرک متخاصمین در پشت خط‌های خود؛

(ه) تدارک و آذوقه‌رسانی به اماکن محاصره شده؛

(و) به کشور (میهن) بازگرداندن یک جانبه اسرا؛

(ز) تخلیه بعضی از اراضی از طرف کشور مغلوب و تصرف آن توسط طرف مقابل؛

(ح) ممنوعیت ارتباط اهالی غیرنظامی در دوسویه جبهه (روسو، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۹-۲۱۸).

۲) استقرار صلح: اصولاً ترک مخاصمات به خودی خود موجب استقرار صلح در مناسبات کشورهای متخاصم نمی‌شود. برقراری صلح یعنی توقف قطعی و دایمی مخاصمات پایان جنگ منوط به انعقاد معاهده صلح می‌باشد. بهترین روش پایان جنپ، انعقاد معاهده صلح است. با انعقاد معاهده صلح است که متخاصمان رسماً اعلام می‌دارند که حالت جنگ و تخاصم بین آنها پایان یافته و شرایط برقراری روابط مودت آمیز فراهم شده است. معاهده صلح معمولاً به دنبال یک سلسله اقدامات از قبیل آتش بس و ترک مخاصمه منعقد می‌شود. بر این اصل استثناهایی هم وارد می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۲).

در شیوه‌ای که سابقاً مرسوم بود و هنوز غالباً بدان عمل می‌شود برقراری صلح همانند توقف جنگ از طریق یک عمل حقوقی از نوع قراردادی یعنی یک معاهده دو یا چند جانبه صورت می‌گیرد، ممکن است قبل از معاهده صلح، معاهده متارکه منعقد گردد، در چنین حالتی مخاصمات در زمان صلح پایان می‌یابد. جنگ ممکن است بدون هرگونه ترتیبات حقوقی و صرفاً به علت غلبه و کشورگشایی و الحاق خاک کشور مغلوب به کشور پیروز پایان یابد. صدور یک اعلامیه دوجانبه به وسیله طرفین که بتواند جایگزین قرارداد صلح باشد نیز از روش‌های دیگر است که به جنگ خاتمه می‌دهد (روسو، ۱۳۷۵: ۲۲۶).

هدف اصلی معاهده صلح، پایان قطعی و نهایی حالت جنگ و استقرار دایمی و ثابت حالت صلح در مناسبات کشورهای متخاصم با یکدیگر است. به بیان دیگر، هدف پیمان صلح، اعاده وضعیت صلح آمیز قبل از بروز جنگ میان متخاصمان می‌باشد. محتوای پیمان صلح متنوع است. اما معمولاً متضمن این نکات می‌باشد:

الف) چگونگی استقرار صلح و از سرگیری روابط دیپلماتیک؛

ب) تعیین وضعیت ارضی طرفین؛

ج) نحوه بازگشت مجروحان و اسران جنگی،

د) چگونگی برقراری مجدد معاهداتی که در اثر جنگ بلااجرا مانده اند؛

ه) شرایط جبران خسارات وارده و پرداخت غرامت جنگی؛

(و) مقرر نمودن تضمینات اجرایی معاهده (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۳-۲۷۲)؛

ز) از نظر مادی، دو مساله در این زمینه قابل توجه است که یکی پرداخت غرامت جنگی و دیگری اشغال نظامی مسالمت آمیز که هر دو کار از تضمینات معمول مندرج در معاهدات صلح به شمار می روند (روسو، ۱۳۷۵، ص. ۲۲۹).

۳) تسلیم شدن بلا شرط و پایان جنگ: جنگ ممکن است بدون پیمان متارکه یا پیمان صلح خاتمه یابد و این قبیل پایان به دو صورت انجام می گیرد:

الف) تسلیم بدون قید و شرط: این نوع تسلیم عهدنامه ای است که به موجب آن یک نیروی نظامی در میدان نبرد یا در یک مکان مستحکم مانند قلعه یا پادگان، خود را تسلیم می کند و در نتیجه مخاصمات متوقف می شود (ماده ۳۵ مقررات لاهه).

تسلیم بدون قید و شرط هرچند ظاهراً شکل دهنده معاهدات بین المللی دارد که به وسیله فرماندهان یا عوامل نظامی طرفین متخاصم به امضا می رسد، اما در واقع عملی است یک جانبه که منجر به پذیرش متخاصم شکست خورده در جنگ به مجموعه شرایطی می شود که از سوی فاتح در جنگ به او تحمیل می گردد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۸).

ب) پایان جنگ با امحاء کامل دشمن: جنگ ممکن است بدون شکل حقوقی یا فقدان هرگونه توافق صریح یا ضمنی و تنها با «امحاء دشمن» به منزله کشوری که از صحنه گیتی محو شده است خاتمه پذیرد. روش «امحاء دشمن» عملی است که ناشی از الحاق و انضمام کشور مغلوب توسط کشور فاتح است و با روش «تحت انقیاد و اطاعت در آوردن» فرق دارد. زیرا در روش اول موجودیت دولت و کشور به طور کلی از بین می رود، ولی در روش دوم دولت و کشور باقی می ماند ولی مطیع و وابسته می شود. امروزه باتوجه به اصل عدم توسل به زور و مقررات منشور ملل متحد مشعر بر این که کشورهای عضو سازمان از هرگونه عملیات فاتحانه با اعمال قدرت منع شده اند، روش پایان جنگ با امحاء دشمن جایگاهی در حقوق بین الملل ندارد و اگر چنین عملی هم صورت گیرد فاقد هرگونه اعتبار بین المللی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۷).

#### مبحث چهارم: حقوق معاهدات پایان جنگ از منظر فقه امامیه

اسلام اهمیت بسیاری به عهد و پیمان و رعایت آن داده و برای شکنندگان آن سرزنشها و حجازات هایی منظور نموده و از پیروان خود خواسته که تتاً پای جان به ان متعهد باشند. قرآن کریم به عهد و پیمان اهمیت زیادی داده و به مسلمانان صریحاً اعلام می نماید که «ای مردم مؤمن به قراردادهای و عقدها وفا کنید»<sup>۱</sup> عقد از پیمانها و قراردادهای بسیار مؤکد است. فرق آن با عهد این است که در عقد معنای اعتماد و گره زدن وجود دارد و حتماً میان دو نفر بسته می شود؛ حال آن که عهد ممکن است مربوط به

<sup>۱</sup>سوریه مائده، آیه ۵.

یک نفر باشد. بنابراین هر عهده‌ی عقد نیست (طبرسی، ۱۳۵۴، ص. ۱۸۱). در جای دیگر، رعایت عهد و پیمان و امانت را یکی از صفات مومنان می‌شمارد و می‌فرماید: «و کسانی که برای امانت‌ها و پیمان‌های خود احترام قایلند و آنها را رعایت می‌نمایند»<sup>۱</sup> مومنان نگهدارنده امانت‌ها و وفاکننده به عهد خویشند.

از مسلمات علم حقوق، لزوم وفا به عهد و پیمان است. رای اجماعی حقوقدانان و اخلاقیون و عرف بشری بر این است که طرفین هر پیمان موظفند در اجرای نص و روح پیمانشان از هیچ کوششی دریغ نورزند و در این کار کمال دقت و امانت را به کار برند. در اصل، لزوم به وفای به عهد و پیمان و ایفای تعهدات هیچ کس شک و تردیدی ندارد. زیرا با نادیده گرفتن آن نه یک سیستم حقوقی و یا اخلاقی پدید می‌آید و نه یک نظم سیاسی نضج خواهد گرفت.

پایبندی به پیمان، گذشته از ضمانتی که به شکل تصدیق‌همگانی و الزام افکار عمومی در بردارد، در اسلام از تضمین‌های تازه‌ای برخوردار گردیده و به طرق دیگری مؤکد شده است. رعایت آن برای هر مسلمان، وظیفه مذهبی تلقی شده و در پیشگاه خداوند برایش الزام ایجاد می‌کند. به همین دلیل تا ژرفای وجود او ریشه می‌دواند و مستحکم می‌شود و منافع اقتصادی و انگیزه‌های سیاسی بهانه پیمان‌شکنی مسلمانان نمی‌تواند باشد.

محوری بودن اصل وفا به تعهدات در حقوق بین‌الملل مسلمانان آن هم به گونه‌ای که به هیچ روی نمی‌توان از آن چشم پوشید. به گفته دیگر با مرور بر آیات متعددی که بر اهمیت تعهدات و پیمان‌ها تأکید کرده و با لحن آمرانه‌ای فرموده است «به پیمان‌های خود وفا کنید» و «به عهد وفا کنید» و یا اندیشیدن در آیاتی که بر پیمان‌شکنان نکوهش روا داشته به راحتی می‌پذیریم که اسلام اصل مزبور را بر روابط داخلی و خارجی مسلمانان حاکم نموده است. اصول دیگر حاکم در حقوق بین‌الملل اسلامی، خود به خود اصل وفا به تعهدات را ایجاب می‌کند (خلیلیان، ۱۳۶۴، ص. ۲۳۷-۲۳۶).

### نتیجه‌گیری

به جرأت می‌توان ادعا کرد ادیان الهی و مصلحان مذهبی از جدی‌ترین مدافعان نفی جنگ و خشونت هستند. اسلام انسان را بالفطره و در خلقتش آزاد می‌داند و از این رو، نظام اسارت را یک امر عارضی و تحمیل به جامعه بشری تلقی می‌کند. یعنی اصالت با حریت و آزادی انسانی است و محدودیت‌های اجتماعی باید در راستای تأمین مصالح اجتماعی باشد. یکی از اصول مسلم و یکی از مبانی حقوق اسلامی، صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران است. از دیدگاه اسلام هم جنگ تجاوزکارانه و هم تجاوز و تعدی ذر جنگ محکوم است.

<sup>۱</sup>سوره مومنون، آیه ۲۳.

بدون اغراق آموزه های فقهی در باب حقوق جنگ بسیار قدیمی تر و پیشرفته تر از مقررات کنوانسیون های بین المللی است به این ترتیب که قدمت مقررات کنوانسیون های حقوق بشر دوستانه در زمان جنگ بیش از ۵۰۰ سال نمی باشد. در حالی که در جهان اسلام سابقه ای نزدیک به ۱۴۴۰ سال دارد آن هم با آن ظرافت خاص و این که مقررات مربوط به حقوق جنگ در اسلام با ضمانت اجرای نیرومندی چون ایمان و باور اعتقادی جنگجویان گره خورده و از عمق جان به آن باور دارند. به نظر می رسد که مقررات بین المللی در حفظ جان و مال افراد در زمان جنگ برای کامل تر شدن باید به آموزه های اسلام مراجعه کند و زوایای پنهان خود را با روشنگری های حقوق اسلام روشنی بخشد.

در بهترین شرایط که مسلمانان به اذن خداوند قادر شدند وارد مکه شوند پیامبر (ص) اجازه انتقام، قتل، شکنجه، بیرون کردن، شلاق زدن، مصادره کردن اموال خصوصی را به فاتحین مسلمان مکه ندادند و مسلمانان با استعانت از تعالیم پیامبر (ص) شاهکاری از رفتار خرمندانانه اسلامی را در تاریخ جهان رقم زدند. بنابراین این مطلب صحت دارد که صلح طلبان جهان و پیامبران الهی در تلاش بودند از خشونت بشر در جنگها بکاهند که تا حد زیادی نیز کامیاب شده اند. با این حال ضمانت اجرای متنوع مقررات حقوق بین الملل در باب حقوق جنگ در بسیاری از موارد ضعیف عمل میکند و شاهد ادعا ارتکاب نسل کشی و جنایاتی است که در طول ۳۰ سال گذشته جهان شاهد آن بوده و صحنه های تکان اجساد در خیابان ها و خط مقدم نبردها، اعدام های جمعی و تجاوزات جنسی به زنان و اطفال بیگناه نشان می دهد که علیرغم فوق العاده بودن مندرجات مقررات بین المللی راجع به حقوق جنگ فاصله زیادی از تئوری تا عمل به مقررات داریم به ویژه که ضمانت اجرای این مقررات در بیشتر مواقع حالت توصیه ای دارند و در بسیاری از حوادث فقط به یک اعلام محکومیت ساده و فراموش کردن کل جنایات و بی تفاوتی جهانی ختم می شود.

به نظر می رسد وقت آن رسیده که جهان اندکیبه خود آید و با تقویت احساس مسئولیت مانع تکرار فجایعی بدتر از صحنه های جنگهای رو در رو و خون بار گردد. بنابراین پیشنهاد می شود که در اسرع وقت مقررات بین المللی با مقررات موجود در اسلام منطبق گردند تا به نقض حقوق جنگ که همان اخلاق در جنگ است خاتمه داده شود و اگر نیم نگاهی به آموزه های نورانی و حیات بخش اسلام داشته باشیم قطعاً مقرراتی که وضع می کنیم عاقلانه تر، سودمندتر با قابلیت اجرای بالا خواهیم بود و برای تحقق این آرمان وقت آن رسیده که تعالیم پیامبران الهی و به ویژه آموزه های نبی اگریم (ص) و اسلام در فهرست منابع حقوق بین الملل در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری گنجانده شود بدین ترتیب ثابت خواهد شد که اسلام در هزاره سوم چه قدرتی برای بهبود روحيات انسانها و اصلاح رفتارهای بشری دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- توفیقی، حسین (۱۳۸۷). **آشنایی با ادیان بزرگ**، چاپ یازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و موسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم انسانی.
- حبیب نژاد، سیداحمد (۱۳۹۲). **حقوق اسیران جنگی در پرتو آموزه‌های اسلامی با تطبیق بر کنوانسیون سوم ژنو**، مجموعه مقالات اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تهران: میزان.
- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۴). **حقوق اسیران جنگی**، چاپ دوم، تهران: میزان.
- حمدالله، محمد (۱۳۸۱). **سلوک بین‌المللی دولت اسلامی**، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۶۲). **حقوق بین‌الملل اسلامی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- روسو، شارل (۱۳۷۵). **حقوق مخاصمات مسلحانه**، ترجمه سیدعلی هنجنی، تهران: دفتر نشر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- صمیمی، مینو (۱۳۹۳). **محمد (ص) در اروپا**، ترجمه عباس مهر پویا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۵). «نگرشی اجمالی به حقوق جنگ»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، دوره ۶، شماره ۶، صص ۸۸-۴۷.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). **حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹). **اسلام و حقوق بین‌الملل**، چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۳). **حقوق بین‌الملل عمومی**، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ظریف، محمدجواد و سجادیپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۹). **سازمان‌های بین‌المللی**، چاپ اول، تهران: میزان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۴). **تفسیر مجمع‌البیان**، ترجمه احمد بهشتی، تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). **فقه سیاسی**، جلد ۶، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۸). «ماهیت و مبنای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۹۱۸-۸۹۷.
- کریمی، هما (۱۳۸۹). «حقوق و مقررات جنگ در صئر اسلام تا سال ۴۰ هجری»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام**، دانشگاه الزهرا (س).
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰). **مطالعات صلح مقدمه‌ای بر مفاهیم، گستره و نظریات**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.



محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). جایگاه حقوق بشر دوستانه در علم سیر اسلامی، بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین المللی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران: نشر سرسم.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشر دوستانه بین المللی، رهیافت اسلامی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مسائلی، محمود و رافعی، عالیه (۱۳۷۳). جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ورکی البرزی، مسعود (۱۳۸۶). «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، مجله حقوق اساسی، شماره ۸.

۲۳. Delbez, L. (۱۹۶۴). *Les Principes Generaux Du Droit International Public*. L. G. D. J.

## The Legal Rules of War in Imami Jurisprudence and International Conventions

### Abstract

In international law, war is a method of coercion with the use of force. Therefore, the category of war can be considered as a set of armed acts and coercive actions that take place within the framework of relations between countries, between two or a group of people and cause the implementation of certain rules in all their relations with each other. In the meantime, Islam is the only advanced religion among the religions of the world that for the first time regulated the war situation and established a humanitarian system and legal rules for it. The Prophet of Islam and the Imams were also among the first to fully implement and recognize the just laws of war. In the present article, a descriptive-analytical method has been tried to identify the rules of war law from the perspective of international treaties and Imami jurisprudence. Because the laws related to war in international rules and treaties and the rules of Islam are consistent with each other and in most cases the moral and humanitarian components of international law are derived from the values of the religion of Islam; The religion of Islam bases its rulings on the dignity and originality of human beings and affirms the protection of human freedom and legitimate rights as a principle, and on this basis, Islam warns humanity against war and conflict.

**Keywords:** Rules, Law of War, Imami Jurisprudence, International Treaties, Humanitarian Law